

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

علی مشرف
۲۳ اپریل ۲۰۱۹

همدستی دزدان و جواسیس حاکمیت مستعمراتی با سیلاب و تخریب پل کمپنی!



لطفاً به عکس با دقت نگاه کنید خود متوجه می شوید که پایه پل بدون عمق بر روی گل و بستر رودخانه اعمار شده است

این پل که بر روی یکی از شاخه های دریای کابل که از غرب کابل می گذرد، اعمار شده است و به شمول چند شاخه دیگرش از طرف مردم کابل "چمچه مست" نامگذاری شده اند، در اواخر دهه ۳۰ هجری کار آن بر مبنای قرضه های طویل المدت امریکا آغاز یافته در دهه ۴۰ اکمال و بهره برداری از آن آغاز یافت، در واقع بعد از پل بالای دریای هریرود، طولانی ترین پل در مسیر کابل- هرات می باشد.

در اعمار این پل از همان آغاز اختلافات جدی بین انجیران دلسوز افغانستان و مهندسان امریکائی وجود داشت. در حالی که انجیران و مهندسان افغان، با شناخت از این دریای تمام وقت خشک و نامگذاری مردم به آن "چمچه مست" مهندسان امریکائی را نسبت به طغیان آن برحذر می داشتند، آنها به مانند همیشه از کبر و نخوت استعماری کار گرفته،

پل را در حقیقت نه تنها مقابل سیلابهای خروشان "چمچه مست" بی دفاع اعمار نمودند، بلکه در ساختمان پل یکی از قوانین طبیعت را که رودخانه ها و دریا ها در نیم کره شمالی عمدتاً ساحل راست خود را تخریب می نمایند، نیز نادیده گرفته، تدارکان لازم را جهت جلوگیری از تخریب پا اتخاذ ننمودند.

بی اعتنائی امریکائی ها در همان زمان به فروش "چمچه مست" از یک سو و فساد اداری حاکم و آگاهانه بر تمام پروژه های ساختمانی تحت نظارت امریکائی ها از جانب دیگر موجب گردید که این پل از همان آغاز افتتاح نزد نخبگان و آنهایی که گاهگاهی جریان ساختمان آن را مشاهده نموده بودند و به چشم دیده بودند* که سرقت مواد و مصالح ساختمانی از ترکیب درصد سمنت با ریگ گرفته تا استفاده از ریگ ناشسته و حفر عمق ناکافی و امتناع از خطر های تقسیم آب در تمام پهنای دریا تا از فشار بر یک و یا چند پایه کاسته شود، پل را تا چه اندازه آسیب پذیر ساخته است، با دلهره و انتظار سقوط توأم بود.

با آنهم در جریان دهه های بعدی به خصوص تا زمانی که در ادارات مرکزی در افغانستان به خصوص وزارت فوائد عامه و ریاست حفظ و مراقبت سرکها، رشوت و فساد بیداد نمی کرد، تقریباً همه ساله از جانب نیروهای ساختمانی آن ریاست افراد اهل فن و متخصص از مهندس گرفته تا برآوردی و معمار سری به آن پل زده، "انگاف کاری" آن را همیشه تازه می نمودند تا به آب این امکان را مساعد نسازند که بیشتر در داخل پایه های پل که تقریباً همه بر روی گل و بدون عمق لازم و ضروری بنا یافته بودند، خود را برسانند.

بعد از اشغال افغانستان به وسیله امریکا و شرکاء که تمام افغانستان را میدان "زورخورد" اعلام داشتند و هرکس هر چیزی به دستش رسید آن را غارت نمود و از که تا مه ادارات افغانستان به مرکز رشوت و فساد میدل گردید و فساد اداری در روز روشن لباس از جان مردم بدر نمود، واضح است که بر سر بیچاره پل کمپنی چه باید آمده باشد.

این پل که نو ششم از آغاز برای فرو ریختن ساخته شده بود، در جریان حاکمیت اشغالگران امریکائی و نوکران دزد و خائنش، به استناد گفته عابران همه روزه اش، در تمام این سالها نه تنها یک بار یک هیأت حفظ و مراقبت سرکها را ندید و تمام بودجه های اختصاص داده شده برای مرمت و ترمیم آن در داخل اتاق های ریاست حفظ و مراقبت سرکها و وزارت فوائد عامه تقسیم و غارت گردید، مورد تهاجم نابخردانه برخی از همشهریان طماع و نادان کابل نیز قرار گرفته، با ریگ کشی های غیر فنی در جریان سالیان متوالی تهداب کم عمق پل ها را نیز برهنه نمودند.

در چنین شرایطی، چمچه مست، مستی می کند و پایه های فرسوده پل را چون مقوائی از زمین برداشته، به دیگر سو می افکند. بادر نظر داشت تمام آنچه در بالا به مثابه تاریخ این پل تذکار یافت، به هیچ صورت حق نداریم سیلاب را بابت ویران کردن آن ملامت و محکوم نمائیم، زیرا در همان زمان مقامات خاندان "طلائی" که نمی خواستند گردی بر رخسار امریکائی ها بنشینند نه به صدای ده ها مهندس و انجنیر افغانستان گوش دادند و نه هم از خود پرسیدند که چرا شهریان کابل بر یک رودبار خشک "چمچه مست" نام نهاده اند، در نتیجه می توان نوشت مسؤول اول ویرانی این پل و تحمیل یک هزینه چند ده میلیونی بر دوش مردم افغانستان، مهندسان و کمپنی های ساختمانی امریکائی اند که سرک کابل و قندهار را نقشه کشی و برنامه اعمار آن را به نحو کلوخ ماندن و از آب گذشتن نظارت نموده اند.

دومین مرجع مسؤول کمپنی های ساختمانی اند که در ساختن پل ها، پلچک ها و بروق ها با کمپنی امریکائی قرار داشتند، چه این آنها ها بودند که همسو با سیاست "کلوخ ماندن و از آب گذشتن" امریکائی ها به تقلب حین مخلوط مصالحه و گاهی تقلیل مقدار سمنت تا ۶ چند کمتر از ریگ، پایه های پل را به مثابه یک بند ریگی اعمار نمودند.

مسؤول دیگر وزارت فوائد عامه و ریاست حفظ و مراقبت سرکهاست که تمام بودجه لازم جهت مرمت کاری و ترمیم سوراخ و سنبه/سمبه های پل را خود غارت نموده اند و به گفته دوستان و خویشاوندان این قلم که تقریباً همه روزه از

بالای آن رفت و آمد داشتند در طول اینهمه سال حتی یک بار یک گروهی از کارگران را در دور و پیش و یا بالا و پائین پل ندیده اند که از پل بیچاره و تنها خبری بگیرند.

مسئول دیگر ریاست شاروالی کابل است که با تمام طول و عرض آن، نخواستہ است سری به بهره برداری بی رویه ریگ از بستر دریای کابل بزند اگر گاهی هم کس و یا کسانی را بدان سمت فرستاده است، آنها هم با گرفتن مقداری پول و عقد قرار داد هفته وار با لاری های ریگ کش و یا خرکاران، کار دیگری انجام نداده اند.

این دو نهاد در تمام این مدت چون کمترین توجهی به این مال مردم نکرده اند و سری به آنجا جهت حفاظت از پل نزده اند، در نتیجه نه تنها نقایص فنی اولی را در کشیدن جویبارها جهت پهن ساختن آب از بین نبرده اند بلکه عامل ائتکال یا همان ترمیم و تخریب طبیعت را نیز نادیده گرفته، جویبارهایی را که آب دریا آنها را پر نموده بود نیز دست نزده، به دریای چمچه مست امکان دادند تا مطابق دلخواه حرکتش را عیار و مستی کنان عربده کشد.

هرگاه خواسته باشیم از بحث ما نتیجه بگیریم، می توانیم بنویسیم:

امپریالیزم غارتگر امریکا ونوکران زرخریدش از همان آغاز با بی اعتنائی به خشم طبیعت -در اینجا دریای چمچه مست- تا امروز طی مراحل مختلف زمینه ساز آن بوده است تا این پل سرانجامی چنین درد انگیز بیابد.

یادداشت:

معلومات این قلم راجع به این پل که بیشتر از صد ها بار از بالای آن عبور نموده ام، قسماً تکیه بر چشم دید خودم و بقیه دوستان و خویشاوندانی است که همه روز از بالای عبور کرده جهت انجام وظیفه به شهر کابل می آمدند و می آیند. ماخوذ به علاوه آن که گذشته از پل بین اولین دهی که می آمد و به نام قلعه "عبدالعلی" و ده بعدی قلعه آخوندزاده که همه به "چهل تن" معروف بودند خویشاوندانی داشتیم، یکی دو بلست زمین و چند درخت نیز از آن ما بود، از همین رو تابستان اکثرأ در آنجا رفت و آمد داشتیم. و ساختمان پل تقریباً جلو روی خود ما صورت گرفته است.

ع. مشرف